



گرفت. حضرت سپس به شمارش سپاهییانی که خدا برای آن‌ها قرار داده است می‌پردازد و برای هرکدام ۷۵ لشکر که ضد هم هستند بیان می‌کند، تصور می‌کنید آیا امید و ناامیدی جایگاهی در این فهرست دارند؟ اگر بله کجا و با چه اولویتی؟ از ابتدا که شروع کنیم، برخی از این جنود بدین شرح است: خیروزیر عقل و شرورزیر جهل، ایمان در مقابل کفر، تصدیق حق در مقابل انکار حق، امید در مقابل ناامیدی... این یعنی تقریباً سومین اولویت!

عدل و داد در مقابل ستم، خوش بینی در مقابل بدبینی... عجیب نیست؟! سپس گزاری در مقابل کفران نعمت، توکل در مقابل آز و حرص، نرم‌دلی در مقابل سخت‌دلی، دانایی در مقابل نادانی، عفت و پارسایی در مقابل بی‌حیایی و هرزگی، فروتنی در مقابل تکبر، شکیبایی در مقابل بی‌تابی، گذشت در مقابل انتقام، وفاداری در مقابل پیمان‌شکنی، محبت در مقابل بغض و کینه، راستی در مقابل دروغ، رازداری در مقابل افشاگری، نماز در مقابل بی‌نمازی، مراعات حقوق والدین در مقابل نمک‌نشناسی، وقار در مقابل سبکی، استغفار در مقابل غرور، نشاط در مقابل سستی و...

بود که به‌هرحال در تحصن‌های داخل سفارتخانه‌های انگلیس بار گذاشته شده بود. با نخود و لوبیاهایی که انگار از جنس پلاستیک بودند و تا وقتی جزغاله نشدند، نپختن‌اند و در کام مردم ایران هضم نشدند! کودتای ۲۸ مرداد نه‌تنها خاکستر مرگ ده‌ها سال مشروطه‌خواهی، بلکه امید به هرگونه اصلاحات سیاسی و اجتماعی را به باد داد. حالا تنها گزینه‌ای که باقی می‌ماند عوض کردن نظام سلطنت بود؛ و بی‌رقیب‌ترین گفتمان برای انقلاب و براندازی ادبیات مارکسیستی و روش‌های مسلحانه کمونیستی محسوب می‌شد که عامه مردم ایران رغبتی به آن نداشتند.

در خارج از مرزهای ایران، طرفداران وضع موجود سرمایه‌داری که اتفاقاً نام خودشان را متفقین گذاشته بودند، به توافق رسیدند که نباید به مخالفان وضع موجود اجازه عرض‌اندام بدهند. مخصوصاً به مارکسیست‌ها و کمونیست‌هایی که هنوز امید به ایجاد تغییر و اجرای عدالت، اگرچه در مفهوم اشتراکی و بلشویکی داشتند. همان کمونیست‌هایی که حالا سال‌ها بود بر بلوک شرق وضعیت موجود حکمرانی می‌کردند و خودشان را وضع موجود پایان جبر تاریخ به حساب می‌آوردند! درعین حال، وجه اشتراک این دو وضعیت موجود کنار گذاشتن تفکر دینی بود. چه به صورت دین‌ستیزی در بلوک شرق و چه دین‌گریزی در بلوک غرب. همین وضعیت بود که انقلاب اسلامی ایران را تبدیل به جدی‌ترین مخالف وضعیت موجود نمود. حالا در داخل و خارج از مرزهای ایران یک سؤال مشترک شکل گرفته بود: آیا تفکر دینی می‌تواند دوباره به تاریخ، اجتماع و مخصوصاً عرصه‌های سیاسی بازگردد؟ اصلاً با تفکر دینی افیون توده‌ها می‌توان امید به تغییر بنیادین وضعیت موجود داشت؟

امام صادق (ع) عقل را اولین موجود روحانی که از سمت راست عرش و از نور خدا خلق شد، معرفی می‌کند که تابع فرمان خدا و مورد اکرام او بود؛ سپس نحوه خلق جهل را می‌فرماید که از ظلمت و سیاهی آفریده شد و از فرمان خدا سرکشی کرد و مورد لعنت خداوند قرار

”

حفره‌های دوزخی موجود در گفتمان توسعه و مدرنیته در جنگ‌های جهانی اول و دوم، به بدترین شکلی دهان باز کرد و صدها میلیون آدم را به کام خود کشید. برخی از شهرها مثل هیروشیما و ناگازاکی به همراه شهروندان خود تبخیر شدند

